

توصیف و تحلیل سبک زبانی داستانهای معاصر فارسی با تکیه بر نظریه‌های مقوله و میزان و تحلیل گفتمان انتقادی (مطالعه موردی: توصیف و تحلیل گروه‌های فعلی داستانهای چشمه‌هایش و سووشون)

حسام السلامه^۱، حمید طاهری^{۲*}

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.
۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

فروردین ۱۴۰۲، دوره ۱۶، شماره پیاپی ۸۳، صص ۲۱۷-۱۹۵

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.16.6818

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: تحلیل و بررسی ساختار دستوری و زبانی متون ادبی، یکی از مهمترین شاخه‌های سبک‌شناسی و نقد و تحلیل آثار ادبی است، بویژه زمانی که بحث مقایسه سبک زبانی داستانهای زنان و مردان باشد؛ توجه به ساختارهای دستوری آنها، میتواند تفاوت‌های سبک و سطح زبان زنان و مردان را مشخص کند و نیز ضعف و قوت آن آثار را نمایان سازد. یکی از نظریه‌های مهم زبان‌شناسی و دستور، نظریه مقوله و میزان مایکل هالیدی است. در این مقاله براساس این نظریه، به بررسی یکی از مقولات مهم دستوری یعنی دستگاه‌های گروه فعلی در داستانهای سووشون سیمین دانشور و چشمه‌هایش بزرگ علوی پرداخته‌ایم.

روش مطالعه: روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی محتوا با ابزار اسنادی علمی و کتابخانه‌ای است.

یافته‌ها: در بخش اول مقاله، بنابر نظریه مقوله و میزان، دستگاه‌های گروه فعلی در داستانهای سووشون سیمین دانشور و چشمه‌هایش بزرگ علوی، توصیف میشود و آمارهای مربوط، نشان داده میشود و در بخش دوم، نحوه استفاده از دستگاه‌های گروه فعلی در داستانهای موردنظر بنابر نظریه‌های نقد گفتمان و زبان‌شناسی و جنسیت، تحلیل میشود تا تمایز سبک نویسندگان زن و مرد نیز مشخص گردد.

نتیجه‌گیری: در کاربرد گروه‌های فعلی در سووشون، اگرچه تنوع چشمه‌هایش را ندارد و برخی وجوه فعل و گروه‌های فعلی در این داستان نمودی ندارند، میتوان گفت استفاده از این گروه‌ها حساب‌شده و منظم است. وجوه فعل در دو متن متفاوت است. اگرچه به تناسب در سووشون وجه اخباری کمی بیشتر از چشمه‌هایش نشان میدهد، اما این درصد در کاربرد بالای وجه التزامی در چشمه‌هایش خنثی شده و نشان میدهد متونی هستند که از ابزار احساسی و عاطفی برای تولید متن استفاده میکنند. درحالی‌که بسامد افعال التزامی بزرگ علوی بیشتر از دانشور میباشد و این نشان میدهد که قطعیت در متن کمتر است.

تاریخ دریافت: ۰۶ فروردین ۱۴۰۱
تاریخ داوری: ۰۷ اردیبهشت ۱۴۰۱
تاریخ اصلاح: ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۱
تاریخ پذیرش: ۰۸ تیر ۱۴۰۱

کلمات کلیدی:

سبک، زبان، گروه فعلی،
تحلیل گفتمان انتقادی،
چشمه‌هایش، سووشون.

* نویسنده مسئول:

✉ taheri@HUM.ikiu.ac.ir
☎ ۰۲۱ ۳۳۷۸۰۰۲۱ (۹۸ ۲۸)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

A Study and Analysis of the Linguistic Style of Contemporary Persian Stories Based on the theory of scale and category and Analysis of Critical Discourse (Case Study: verb groups in stories: Cheshmhayash and Suvashun)

H. Al-Salamah¹, H. Taheri^{*2}

1- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Imam Khomeini (Rah) International University, Qazvin, Iran.

2- 1- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Imam Khomeini (Rah) International University, Qazvin, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 26 March 2022

Reviewed: 27 April 2022

Revised: 11 May 2022

Accepted: 29 June 2022

KEYWORDS

Style, language, verb group,
Critical discourse, Cheshmhayash,
Suvashun.

*Corresponding Author

✉ taheri@HUM.ikiu.ac.ir

☎ (+98 28) 33780021

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Analysis of literary texts' grammatical and linguistic structure is one of the essential branches of stylistics and critique of literary works. Especially when comparing the language style of men's and women's stories, paying attention to their grammatical structures can identify the differences in the style and language level of men and women and highlight the strengths and weaknesses of those works. One of the essential theories of linguistics and grammar is Michael Halliday's theory of scale and category. In this article, based on this theory, we have examined one of the critical grammatical categories, namely the devices of the verb group in Cheshmhayash and Suvashun stories.

METHODOLOGY: This study was conducted using descriptive-analytical method.

FINDINGS: In the first article part, according to the theory of scale and category, the verb group devices in the stories of these two authors are described, and the relevant statistics are shown. In the second part, the way the verb group devices are used in the stories according to theories of, Critical discourse, linguistics, and gender is analyzed to distinguish the styles of male and female writers. In this article, the role of the verb and its tense are studied.

CONCLUSION: According to the available analyses, one of the results is a significant difference between these two authors using the verb group No. 1 device of the news impersonal self-standing type. Alawi has made a mistake in objecting to these verb devices type, and inconsistency between the verbs has caused the incoherence of his story. On the other hand, sometimes, the differences in the use of the devices of the verb group between the two stories go back to the aspect of language and gender.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.16.6818](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.16.6818)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 21	 15	 3

مقدمه

یکی از ویژگیهای سبک‌شناسی جدید، توصیف متن بدون ارائه نظر در درجه خوبی یا سستی و نازلی آن است. نتایج پژوهشهای سبک‌شناسی نشان میدهد که بجای استفاده از واژگان محدودی برای بیان ویژگیهای سبک‌شناسی یک اثر علمی یا ادبی، از توصیفات مبتنی بر شواهد متن باید استفاده کرد. سمپسون عقیده دارد که امروزه سبک‌شناسی علاوه بر استفاده از همه زمینه‌ها و علوم مختلف، به شاخه‌ای تخصصی در زبان‌شناسی تبدیل شده است و بنیادی استوار پیدا کرده است (carter & simpson, 2005:14) و با این رویکرد میتوان به دستاوردهای چشمگیری در مطالعات ادبی که برجسته‌ترین حوزه کاربرد زبان را دربردارد دست یافت. تاکنون آثار مختلفی اعم از پایان‌نامه و مقاله درباره تفاوت سبک داستانی نویسندگان زن و مرد از منظر زبانی و ادبی، نوشته شده است که اغلب این آثار، بنابر نظریه‌های ادبی به تحلیل تطبیقی این متون دست زده‌اند. حال آنکه از رهگذر نظریه‌های زبان‌شناسانه و آراء دستوری هم میتوان تحلیلهای خوب و منسجمی را ارائه کرد. یکی از این نظریه‌ها، نظریه مقوله و میزان ام کا هالیدی، زبان‌شناس بزرگ انگلیسی، است که برای اولین بار، نکاتی تازه در این نظریه دیده میشود که در مکاتب زبانی و دستوری قبل موجود نبود. سؤال اصلی این پژوهش، به این امر میپردازد که نظریه مقوله و میزان با مصادیق و زیرشاخه‌های آن تا چه حد در توصیف و تحلیل ساختارهای زبانی و دستوری موجود در داستانهای معاصر فارسی، مناسب و کارآمد است؟ و از طرفی دیگر، این مطالعه بر آن است که تمایز موجود میان سبک نویسندگان مرد و زن را بر مبنای سایر نظریه‌ها از جمله گفتمان انتقادی و زبان‌شناسی جنسیت نشان دهد. بر این اساس، مقاله حاضر دارای دو قسمت مجزا اما در خدمت یک هدف است. ابتدا با نظریه مقوله و میزان، به توصیف دستگاه‌های فعلی در داستانهای موردنظر پرداخته میشود و تفاوتها و شباهتهای دستگاه‌های گروه فعلی بویژه از منظر وجه فعل، زمان، ساختار، فعل تام و ربطی، متعدی و لازم، معلوم و مجهول، مثبت و منفی، در داستان چشمه‌های بزرگ علوی و سووشون سیمین دانشور نشان داده میشود و در بخش دوم مقاله، علت و کیفیت استفاده از دستگاه‌های گروه فعلی در داستانهای این دو نویسنده براساس نقد گفتمان و زبان‌شناسی جنسیت تحلیل میشود تا به سبک شخصی نویسندگان زن و مرد در نحوه کاربرد گروه فعلی در داستانهای معاصر فارسی پی ببریم و بخصوص به این نکته برسیم که چه تفاوت‌هایی میان کارکرد گروه فعلی میان زنان و مردان نویسنده وجود دارد و البته این دو هدف، در امتداد هدف اصلی این مقاله است.

روش مطالعه

این پژوهش بصورت کتابخانه‌ای با دو رویکرد توصیفی - آماری و تحلیلی انجام شده است؛ یکی از مقولات مهم دستوری یعنی گروه فعلی را در داستان چشمه‌های بزرگ علوی و سووشون، براساس نظریه‌های مقوله و تحلیل انتقادی گفتمان بررسی کرده‌ایم. سپس براساس توصیف و تحلیل گروه‌های فعلی، این نوشته‌ها را براساس مؤلفه‌هایی که در چهارچوب نظری تحقیق آمده است، دسته‌بندی کرده‌ایم. در آخر با بررسی آمار و بسامدها و همچنین درصد‌های بدست‌آمده، به تحلیل و مقایسه دستگاه‌های موجود در گروه‌های فعلی دو نویسنده پرداخته‌ایم و از متنها نیز نمونه‌هایی را بعنوان شاهد مثال آورده‌ایم. لازم به ذکر است برای ایجاد این محیط آماری، از روش اتفاقی (رندوم) استفاده کرده‌ایم و صفحاتی از هر دو داستان را برای آمارگیری و تحلیل انتخاب نموده‌ایم و از هر داستان ۵۰۰ گروه فعلی را براساس مبانی تحقیق مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌ایم. علت استفاده از روش رندوم یا اتفاقی، یکی آن است که این نوع انتخاب در سبک‌شناسی رایج و شاید درست‌ترین باشد. دیگر اینکه در بررسی زبان متن، با

توجه به تعداد زیاد گروه‌های فعلی، چاره‌ای جز این روش و رویکرد نبود و دیگر اینکه زبان در متن، پدیده‌ای تکرارشونده است؛ بخصوص گروه‌های فعلی و دستگاه‌های موجود در آن طبیعتاً تکرارپذیرند؛ البته اگر این امکان باشد که تمامی بندها و جملات و گروه‌های فعلی دو داستان، بررسی و تحلیل شوند، بسیار درست‌تر و درجه اطمینان به نتایج بدست‌آمده بسیار بیشتر است؛ اما چنین کاری سالها زمان نیاز دارد و این نکته واضح است که محصول و نتیجه بررسی‌های متنی با جامعه آماری محدود، نزدیک به مطلوب است و یقینی و قطعی نیست. علت برگزیدن دو نویسنده زن و مرد هم این است که بتوانیم تا حدودی ساختارهای وجه و زمان فعل موجود را در داستان یک نویسنده زن با یک نویسنده مرد مقایسه کنیم تا اگر ساختارهای خاص مربوط به یک جنسیت، در متن مشاهده شد، تبیین گردد. از طرفی دیگر، از میان زنان، سیمین دانشور و اثر مشهورش، سووشون و از میان مردان، بزرگ علوی و اثر مشهورش، چشم‌هایش برگزیده شد تا نمونه‌هایی از آثار موفق و مشهور داستانی فارسی، مورد بررسی قرار گرفته باشد.

سابقه پژوهش

در تحلیل و نقدهایی که تاکنون روی آثار ادبی و براساس نظریه مقوله و میزان و بطور کلی، آرای هالیدی صورت گرفته، انسجام، بیشتر از بخش‌های دیگر مورد توجه منتقدان قرار گرفته است و متون زیادی اعم از داستانی و شعری براساس عوامل انسجامی تجزیه و تحلیل شده‌اند؛ مانند مقالات نعمتی، ۱۳۸۶ و رحیمیان، ۱۳۸۱. توجه ویژه به این بخش از نظریه، بابت دید بدلیل ظرفیتها و قابلیت فراوان آن در جهت کشف ویژگی انسجام در متون ادبی است. تاکنون اثری اعم از مقاله یا کتاب یا رساله دانشجویی درباره بررسی سبک زبانی متون داستانی معاصر براساس نظریه مقوله و میزان و همچنین بررسی ساختار گروه فعلی کار نشده است، و این پژوهش نخستین تجربه در این زمینه محسوب میشود اما آثاری وجود دارند که برخی ساختارهای گروه فعلی یا نظریه مقوله و میزان را مطرح کرده‌اند از جمله مقاله «خودایستایی و مقوله تھی در زبان فارسی» که درباره گروه فعلی در دستور مقوله و میزان بطور مختصر صحبت کرده و البته تنها درباره یک نوع گروه فعلی یعنی ناخودایستا، آن هم بصورت پراکنده سخن گفته است (متولیان، ۱۳۹۰).

بحث و بررسی

زبان و سبک‌شناسی: انواع موقعیت زبانی در سه جنبه متفاوت قابل بررسی است؛ اول: آنچه اتفاق می‌افتد (حوزه گفتمان)، دوم: چه بخشی از زبان درگیر است؟ (شیوه گفتمان) و سوم: چه کسی یا کسانی در حال نقش‌آفرینی است؟ (عامل گفتمان). این سه متغیر روی هم سبک را تعیین میکنند. سبک به ما نشان میدهد که براساس نوع موقعیت زبانی که به آن سخن می‌گوییم یا با آن مینویسیم، تغییر میکند (هلیدی، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۷: ۹۵-۹۳). همچنین برای پیش‌بینی نوع زبان، در نظر گرفتن هریک از این سه مقوله، بتنهایی کافی نیست؛ بلکه لازم است که هر سه مورد را با هم در نظر بگیریم (همان: ۱۱۲).

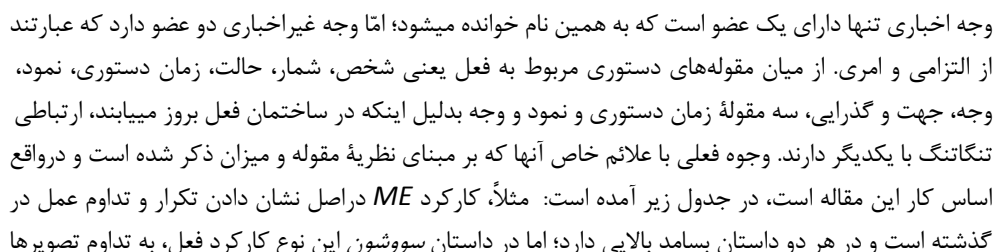
تمامی محققان پدیده‌های سبکی اثر ادبی، اعم از نظم و نثر را بعنوان موضوع مطلق پژوهش سبک‌شناسی و از اهداف مهم این علم می‌شمارند. در ایران، سبک‌شناسی، پیوندی ناگسستنی با نام محمدتقی بهار دارد. او نخستین کسی است که در ایران بصورت علمی به کاوش درباره مسائل سبک‌شناسی سخن فارسی پرداخت. بهار در تعریف سبک نو می‌گوید: «سبک در اصطلاح ادبیات عبارت است از روش خاص ادراک و بیان افکار بوسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر. سبک به یک اثر ادبی وجه خاص خود را از لحاظ صورت و معنی القا میکند و آن نیز

به نوبه خویش وابسته به طرز تفکر گوینده یا نویسنده درباره حقیقت می‌باشد» (بهار، ۱۳۸۴: ۱۸). سبک ادبی نگرشی احساسی و خیال‌انگیز به جهان درون و بیرون است که با زبانی احساسی (عاطفی) و تصویری بیان می‌شود؛ زبانی که عواطف گوینده را به شنونده و خواننده انتقال می‌دهد و در ذهن او اثر می‌گذارد و در او عکس‌العمل ایجاد می‌کند. در چنین زبانی معمولاً واژه‌ها و جملات در معنای عادی و اصلی خود - زبان روزمره - به کار نمی‌روند (شمیسا، ۱۳۹۰: ۱۵). از دیدگاه شمیسا، سبک، طرز برخورد با مسائل است. این طرز برخورد ممکن است عقلانی، مکتبی، فلسفی یا احساسی و حتی طنزآلود باشد. وی سبک را وحدتی میداند که در اثر مشهود است. سبک، روح با ویژگی یا ویژگیهای مشترک و مکرر در آثار کسی است. به عبارت دیگر، این وحدت، منبعث از تکرار عوامل یا مختصات است که در آثار کسی هست و توجه خواننده دقیق و کنجکاو را جلب می‌کند. ممکن است برخی از این عوامل یا مختصات سبک‌ساز نسبتاً آشکار باشند؛ اما معمولاً و غالباً پنهان و پوشیده‌اند. زمینه مشترک با وحدت، یعنی سبک فقط منوط به عوامل لفظی و زبانی نیست، بلکه در تفکر و بینش هم وحدت با تکرار عوامل و عناصر خاص اندیشگی حضور دارد» (شمیسا، ۱۳۸۴: ۱۶). خسرو فرشیدورد، نویسنده کتاب «درباره ادبیات و نقد ادبی» درباره سبک می‌گوید: «سبک هر شاعر یا نویسنده، مانند رنگ و بویی که در یک گل یا میوه وجود دارد، اثر او را هم بلحاظ محتوایی و هم بلحاظ نشانه‌های بیرونی آن، از دیگر آثار ادبی جدا می‌کند؛ یعنی تفکر و اندیشه‌های هنرمند پایه‌پای زبان و تعبیر، در آثار وی حضور دارد» (فرشیدورد، ۱۳۶۳: ۵۶۴).

نظریه مقوله و میزان: نظریه مقوله و میزان از جمله آراء ام‌کا هالیدی، زبان‌شناس برجسته معاصر، است. آراء هالیدی به همان اندازه که پرطرفدار و مورد استقبال است، منتقدان سرسختی نیز داشته است. «یکی از دلایل این محبوبیت و خصوصیت به این برمیگردد که هالیدی درباره زبان، هر نوع صحبتی کرده است و وسعت سخنان او، زیاد است» (سعیدیان، ۱۳۹۴: ۱۵۱). باطنی نخستین فردی است در ایران که اندیشه‌های هالیدی را بویژه نظریه مقوله و میزان وی را معرفی کرد و خود نیز در جایی گفته که از طرفداران نظریات هالیدی است؛ زیرا «بررسی زبان بدون توجه به بافت فرهنگی - اجتماعی زبان و بدون توجه به بافت کلامی که در آن به کار می‌رود (یعنی بررسی زبان به شیوه چامسکی) کاری بیهوده و بی‌معنی است» (باطنی، ۱۳۴۸: ۱۸).

یکی از مهمترین تقسیم‌بندیهای هالیدی در حوزه دستور زبان به نظریه مقوله و میزان بازمیگردد. هالیدی در سال ۱۹۶۸ نظریه «مقوله و میزان» را مطرح کرد. او ساخت زبان را مجموعه‌ای بهم‌بافته از «میزانها» و «مقولات» میداند و بین سه سطح، چهار مقوله و سه میزان تفاوت قائل می‌شود. نکته بسیار مهم که لب نظریه هالیدی را روشن می‌سازد در نوع رابطه میان دستور و معنای کلام نقش میبندد که درواقع مسیر جداگانه وی از سایر زبان‌شناسان است. در رویکرد نقش‌گرای هالیدی رابطه بین «معنی» و «عبارت‌پردازی» یک امر قراردادی نیست، بلکه صورتهای دستوری بطور طبیعی با معانی‌ای که رمزگذاری میشوند، ارتباط دارند. «هالیدی رابطه بین دستور و معناشناسی را طبیعی میداند نه قراردادی. بدین صورت که ارتباط بین معنا و کلام در مرحله صورت اولیه یا صورت فرضی زبان قراردادی بوده است» (باطنی، ۱۳۴۸: ۴۸).

دستگاه‌های گروه فعلی زبان فارسی بر مبنای مقوله و میزان: در این تحقیق گروه‌های فعلی از منظر نظریه مقوله و میزان و تحلیل آن بر مبنای مقولات نقد گفتمان توصیف و بررسی شده‌اند. محمدرضا باطنی بعنوان نخستین پژوهشگری که به تحلیل آرای هالیدی در نظریه مقوله و میزان پرداخته، دستگاه‌های گروه فعلی فارسی را سه دستگاه میداند:



انجامیده که بنوبه خود در شکل دادن فضای ادبی داستان، نقش مهمی ایفا میکند، بطوریکه یکی از ویژگیهای سبکی دانشور در این داستان است: «طوفان که راه می‌افتاد، باد زوزه میکشید و همه چیز را سر راهش میبلعید» (دانشور، ۱۳۸۸: ۱۲۴).

جدول شماره (۱)

شخصی										غیرشخصی	
گذشته					الزامی					الزامی	اختیاری
حال					امری					آینده	حال
غیراستمراری					استمراری					گذشته	حال
مطلق					مطلق					با باید	بدون باید
ترکیبی					ترکیبی					با باید	بدون باید
با باید					بدون باید					با باید	بدون باید
۱۸					۱۷					۱۶	۱۵
۱۴					۱۳					۱۲	۱۱
۱۰					۹					۸	۷
۶					۵					۴	۳
۲					۱					۱	۱

- ۱- ف (۱) $MZ + MK$: می توان رفت.
- ۲- ف (۱) $ME + MK$: نمیشد رفت.
- ۳- ف (۱) $EL + MK$: بشود رفت.
- ۴- مطلق با باید: باید برود
- ۵- مطلق بدون باید: ف EL : برود.
- ۶- مطلق بدون باید: ف $EM + EL$: زفته باشد.
- ۷- ترکیبی با باید: باید + ف $EM + EL$: باید زفته باشد.
- ۸- AM : برو.
- ۹- ف (۳) $MZ + MK$: خواهد رفت.
- ۱۰- ف MM : رفت.
- ۱۱- ف $EM + MM$: رفته بود.
- ۱۲- باید + ME : باید می رفت.
- ۱۳- می رفت: ME
- ۱۴- ف (۲) $MM + ME$: داشت می رفت.
- ۱۵- ف (۲) $MZ + MZ$: دارد می رود.
- ۱۶- ف (۱) $EE + MZ$: می رفته است.
- ۱۷- ف MZ : می رود.
- ۱۸- ف $MZ + EM$: رفته است.

جدول ۱-۱: طبقه خودایستا از گروه فعلی

کارکرد گروه‌های فعلی در داستانهای منتخب در این پژوهش: گروه‌های فعلی که نمای متنند و بار معنایی هر متنی را به دوش میکشند، چرا و به چه ضرورتی در نمایه‌های متفاوت، در متن به کار گرفته شده‌اند؟ آیا در شکل ساختاری آنها اهدافی دنبال میشود؟ چه انگیزه‌ها و محرکهایی فعلها را در متن هدایت میکنند و در ساختارهای مختلف به میدان متن میفرستند تا ایفای نقش کنند؟ ذهن ما قادر است با توجه به عنصر موقعیت و بیان، معنا و مفهوم موردنظر را کشف کند و به اعتقاد مالیفسکی و فرث: «توصیف زبان بدون اشاره به بافت و موقعیت نمیتواند کامل باشد». (هلیدی و رقیه حسن، ۱۳۹۳: ۵۴).

بررسی گروه‌های فعلی در داستان چشمهایش

در این بخش توصیفی گروه‌های فعلی، بسامد و کارکرد وجه فعل، زمان، مجهول و معلوم، شخصی یا غیرشخصی، مثبت و منفی و ساختمان گروه فعلی در رمان چشمهایش، نوشته بزرگ علوی، قابل توجه است.

متن اول: «بالآخره زن ناشناس را یافتیم. با او آشنا شدم. سالهای زیادی از روز مرگ استاد میگذرد. نقاشان جوانی از فرنگ برگشته و از مدرسه‌ها بیرون آمده‌اند. کمابیش نقاشی هم وسیله نان خوردن شده است. عده‌ای طرح آگهی

تجارتی میکشند، صحنهٔ تئاتر را می‌آرایند، کتب را مصور میکنند، صورت اشخاص را میکشند و کاریکاتور برای روزنامه میسازند» (علوی، ۱۳۹۳: ۳۰).

-/یاقتم/ فعل متعدی با فرمول دستوری ۱۰/ف (MM) شخصی، تام، وجه اخباری، زمان گذشته مطلق، مثبت، معلوم، ساده است.

-/شدم/ فعل با فرمول دستوری ۱۰/ف (MM) شخصی، ربطی، وجه اخباری، زمان گذشته مطلق، مثبت، معلوم، ساده است.

-/میگذرد، میکشند، می‌آرایند، میسازند/ فعلها با فرمول دستوری ۱۷/ف (MZ) شخصی، تام، متعدی، وجه اخباری، حال مطلق، مثبت، معلوم، ساده هستند.

-/مصور میکنند/ این فعل با فرمول دستوری ۱۷/ف (MZ) شخصی، تام، متعدی، وجه اخباری، زمان حال، مثبت، معلوم، مرکب است.

-/برگشته‌اند/ با فرمول دستوری شمارهٔ ۱۸/ف (EM)+(MZ) شخصی، تام، لازم، وجه اخباری، ماضی نقلی، مثبت، معلوم، پیشوندی است.

-/شده است/ با فرمول دستوری شمارهٔ ۱۸/ف (EM)+(MZ) شخصی، ربطی، وجه اخباری، ماضی نقلی، مثبت، معلوم، ساده است.

-/بیرون آمده‌اند/ فعل با فرمول دستوری شمارهٔ ۱۸/ف (EM)+(MZ) شخصی، تام، لازم، وجه اخباری، زمان ماضی نقلی، مثبت، معلوم، مرکب است.

متن دوم: «لچک سیاهی بر سر کرده و زیر گلو گره زده است و روی لچک یک کلاه فرنگی زنانه از حصیر سیاه دیده میشود. منظرهٔ این زن با لچک و کلاه بحدی مضحک است که اگر آدم فقط این قسمت تابلو را ببیند، خنده‌اش میگیرد. مثل اینکه یک زن هرجایی میخواهد تقلید درآورد. اما در قیافهٔ زن شوخی و تمسخر خوانده نمیشود» (علوی، ۱۳۹۳: ۵۱).

-/بر سر کرده/ فعل با فرمول دستوری شمارهٔ ۱۸/ف (EM)+(MZ) شخصی، متعدی، تام، وجه اخباری، زمان ماضی نقلی، مثبت، معلوم، مرکب پیشوندی است.

-/گره زده است/ فعل با فرمول دستوری شمارهٔ ۱۸/ف (EM)+(MZ) شخصی، متعدی، تام، وجه اخباری، زمان ماضی نقلی، مثبت، معلوم، مرکب است.

-/خنده‌اش میگیرد/ این فعل با فرمول دستوری ۱۷/ف (MZ) شخصی، وجه اخباری، زمان حال مطلق، مثبت، معلوم، مرکب (گسترش یافته) است.

-/میخواهد تقلید درآورد/ این فعل با فرمول دستوری ۱۷/ف (MZ) شخصی، وجه اخباری، (میخواهد) در جایگاه عنصر فعل ناقص، (تقلید، در) در عنصر غیرفعلی (آورد) هستهٔ گروه فعلی، زمان حال مطلق، مثبت، معلوم، ساده است.

-/ببیند/ این فعل متعدی با فرمول دستوری ۵/ف (EL) شخصی، وجه التزامی مطلق (بدون باید)، (بین هستهٔ گروه فعلی، زمان حال، مثبت، معلوم، ساده است.

-/درآورد/ این فعل با فرمول دستوری ۵/ف (EL) شخصی، متعدی، تام، وجه التزامی مطلق (بدون باید)، (در) در عنصر غیرفعلی (آورد) هستهٔ گروه فعلی، زمان حال، مثبت، معلوم، پیشوندی است.

-/ دیده میشود/ فعل مجهول در دستگاه سوم گروه فعلی بررسی میشود؛ دارای زمان حال مجهول، مثبت، ساده میباشد.

- / خوانده نمیشود/ فعل مجهول در دستگاه سوم گروه فعلی بررسی میشود؛ با قید حالت مجهول ساز (شدن)، حال مجهول، منفی، ساده میباشد.

-/ است/ این فعل ربطی با فرمول دستوری ۱۷/ف (MZ) شخصی، وجه اخباری، زمان حال مطلق، مثبت، معلوم، ساده است.

متن سوم: «درست یادم نیست در چه سالی با او آشنا شدم، اما خوب میدانم که من نوزده یا بیست سال بیشتر نداشتم. دختری بودم پرجرئت. خودم میگویم پرجرئت. اما دختران همطراز مرا پررو میدانستند. میتوانستم به کسی که هرگز او را ندیده و نشناخته‌ام خودم را معرفی کنم و ساعتها حرف بزنم. از مطالبی که اصلاً موردعلاقه طرف نباشد، از چیزهایی که خودم هم وارد نبودم، گفتگو کنم و چون خوشگل بودم این جسارت من زننده نبود. جوانها همه از این گستاخی من خوششان می‌آمد و به من پروبال میدادند. در مدرسه بچه خرفتی نبودم، اما استعداد من بیش از آنچه در باطن من وجود داشت گل میکرد» (علوی، ۱۳۹۳: ۷۵).

-/ نیست/ این فعل ربطی با فرمول دستوری ۱۷/ف (MZ) شخصی، وجه اخباری، زمان حال مطلق، منفی، معلوم، ساده است.

-/ نبود، نبودم/ این دو فعل ربطی با فرمول دستوری ۱۰/ف (MM) شخصی، وجه اخباری، زمان گذشته، منفی، معلوم، ساده است.

-/ بودم/ این فعل ربطی با فرمول دستوری ۱۰/ف (MM) شخصی، وجه اخباری، زمان گذشته، مثبت، معلوم، ساده است.

-/ میگویم، میدانم/ این فعلها با فرمول دستوری ۱۷/ف (MZ) شخصی، وجه اخباری، حال مطلق، مثبت، معلوم، ساده هستند

-/ میدانستند، میدادند، / با فرمول دستوری شماره ۱۳/ (ME) شخصی، متعدی، وجه اخباری، گذاشته استمراری، مثبت، معلوم، ساده هستند.

-/ ندیده‌ام، نشناخته‌ام/ فعلها متعدی و تام با فرمول دستوری شماره ۱۸/ف (EM)+(MZ) شخصی، وجه اخباری، ماضی نقلی، منفی، معلوم، ساده هستند.

-/ معرفی کنم، گفتگو کنم/ این فعلها با فرمول دستوری ۵/ف (EL) شخصی، وجه التزامی مطلق، حال، مثبت، معلوم، مرکب هستند.

- / میتوانستم حرف بزنم/ گروه فعلی است. عنصر فعل ناقص + عنصر غیرفعلی + هسته، این فعلها با فرمول دستوری ۵/ف (EL) شخصی، وجه التزامی مطلق، حال، مثبت، معلوم، مرکب هستند.

-/ نباشد/ این فعل با فرمول دستوری ۵/ف (EL) شخصی، وجه التزامی مطلق، زمان حال، منفی، معلوم، ساده است.

-/ نداشتم/ این فعل با فرمول دستوری ۱۰/ف (MM) شخصی، وجه اخباری، زمان گذشته مطلق، منفی، معلوم، ساده است.

-/ خوششان می‌آمد، گل میکرد/ با فرمول دستوری شماره ۱۳/ (ME) شخصی، وجه اخباری و زمان گذشته مطلق، مثبت، معلوم مرکب است.

- وجود داشت، آشنا شدم/ با فرمول دستوری شماره ۱۰/ف (MM) شخصی، وجه اخباری، زمان گذشته مطلق، مثبت، معلوم، مرکب است.

بسامد گروه‌های فعلی در داستان چشمه‌های: با دقت در جدول‌های بسامد گروه‌های فعلی زیر در رمان چشمه‌های متوجه می‌شویم که از مجموع ۵۰۰ گروه فعلی موجود، ۳۷۵ گروه فعلی در وجه اخباری که درصد ۷۵٪ دارد و ۱۰۵ گروه فعلی در وجه التزامی به کار رفته‌اند. پس اکثر گروه‌های فعلی موجود، متعلق به وجه اخباری هستند. و اما گروه فعلی در وجه امری و پرسشی با هم خیلی کم و به تعداد ۲۰ گروه فعل رسیدند، جدول زیر بسامد وجه گروه‌های فعلی را نشان می‌دهد:

جدول ۲: بسامد وجه فعل در گروه‌های فعلی داستان چشمه‌های

تعداد مورد	وجه اخباری	وجه التزامی	وجه امری
۵۰۰ گروه فعلی	۳۷۵	۱۰۵	۲۰
درصد٪	۷۵٪	۲۱٪	۴٪

جدول ۳: بسامد (شخصی و غیرشخصی، ربطی و غیرربطی) گروه‌های فعلی

تعداد مورد	شخصی	غیرشخصی
۵۰۰ گروه فعلی	۴۷۰	۳۰
درصد٪	۹۴٪	۶٪
تعداد مورد	غیرربطی	ربطی
۵۰۰ گروه فعلی	۴۲۰	۸۰
درصد٪	۸۴٪	۱۶٪

همچنین با دقت در جدول زیر درمی‌یابیم که از منظر زمان گروه فعلی در میان گروه‌های فعلی موجود، بیشترین بسامد متعلق به زمان گذشته است که ۵۵٪ درصد از فعلها در این زمان به کار رفته‌اند و تعداد آن ۲۷۵ گروه فعلی در زمانهای گذشته می‌باشد. در مقابل، بسامد زمان حال هم ۴۲٪ را به خود مختص کرده است و تعداد آن ۲۱۰ گروه فعلی در زمانهای حال است. اما زمان امر و آینده بسامد ۳٪ درصدی دارند. با این تفصیل که زمان گذشته ساده بیشترین بسامد را میان زمانها دارد و سپس حال ساده. و جالب است که زمان ماضی نقلی با زمان ماضی استمراری بسامد یکسان دارند و درصد قابل‌ملاحظه‌ای از گروه‌های فعلی را به خود اختصاص داده‌اند. سرانجام کمترین بسامدها متعلق به ماضی بعید و فعل امر است که تنها چند بار در متن و جامعه آماری این پژوهش به کار رفته‌اند. اما زمان آینده و مضارع ملموس تنها در سه مورد به کار رفته‌اند. در محیط آماری، زمان آینده خیلی کم دیده می‌شود و در کل داستان چشمه‌های هم بسامد بسیار پایینی دارند.

جدول ۴: بسامد زمان گروه‌های فعلی در داستان چشمه‌های

تعداد مورد	زمانهای گذشته	زمانهای حال	بسامد زمان امر	زمان آینده
۵۰۰ گروه فعلی	۲۷۵	۲۱۰	۱۰	۵
درصد٪	۵۵٪	۴۲٪	۲٪	۱٪

جدول ۵: بسامد گروه‌های فعلی متعدی و لازم در داستان چشمهایش

تعداد مورد	بسامد متعدی	بسامد لازم
۵۰۰ گروه فعلی	۱۹۰	۳۱۰
درصد٪	٪۳۸	٪۶۲

جدول ۶: بسامد گروه‌های فعلی مثبت و منفی در داستان چشمهایش

تعداد مورد	بسامد مثبت	بسامد منفی
۵۰۰ گروه فعلی	۴۲۰	۸۰
درصد٪	٪۸۴	٪۱۶

جدول ۷: بسامد گروه‌های فعلی معلوم و مجهول در داستان چشمهایش

تعداد مورد	بسامد معلوم	بسامد مجهول
۵۰۰ گروه فعلی	۴۷۰	۳۰
درصد٪	٪۹۴	٪۶

جدول ۸: بسامد ساختمان گروه‌های فعلی در داستان چشمهایش

تعداد مورد	بسامد ساده	بسامد مرکب	بسامد پیشوندی	مرکب پیشوندی
۵۰۰ گروه فعلی	۳۷۰	۱۰۰	۲۵	۵
درصد٪	٪۷۴	٪۲۰	٪۵	٪۱

بررسی گروه‌های فعلی در داستان سووشون

همانطور که قبلاً اشاره کردیم، نمونه‌های مختلفی از داستان سووشون اثر مشهور سیمین دانشور به همان سبک و روشی که در داستان چشمهایش بررسی کردیم، مورد بررسی قرار گرفت و برای مقایسه حدود ۵۰۰ فعل برداشت کردیم. گروه‌های فعلی در سووشون، اگرچه تنوع چشمهایش را ندارند و برخی وجوه فعل و گروه‌های فعلی در این داستان نمودی ندارند، اما میتوان گفت استفاده از این گروه‌ها حساب‌شده و منظم است؛ یعنی مواردی نادستورمند در آن به چشم نمی‌آید. برای نمونه متنهای زیر را آورديم:

متن اول: «هرچند در مدرسه انگلیسیها درس خوانده بود و پدر مرحومش بهترین معلم انگلیسی در شهر شمرده میشد. زری شنیده بود اما تا با چشمهای خودش نمیدید باور نمیکرد. سر جنت زینگر فعلی کسی جز مستر زرينگر،

سابق، مأمور فروش چرخ خیاطی سینگر نبود. اقل کم هفده سال میشد که به شیراز آمده بود و هنوز فارسی درستی نمیدانست. هرکس چرخ خیاطی سینگر میخرید، خود هتر زینگر با آن قد و بالای غول‌آسا، مفت و مجانی ده جلسه درس خیاطی به او میداد» (دانشور، ۱۳۸۸: ۶).

-/درس خوانده بود/ فرمول دستوری شماره ۱۱/ف(EM) + ح(MM) دارد، شخصی، وجه اخباری، ماضی بعید، مثبت، معلوم، مرکب است.

-/شنیده بود، آمده بود/ فرمول دستوری شماره ۱۱/ف(EM) + ح(MM) دارد، خودیستای شخصی، وجه اخباری، زمان گذشته بعید، مثبت، معلوم، ساده میباشد.

-/شمرده میشد/ فعل مجهول در دستگاه سوم گروه فعلی بررسی میشود؛ با قید حالت مجهول‌ساز (شدن)، حال مجهول، مثبت، ساده میباشد.

-/نمیدید، نمیدانست/ فرمول دستوری شماره ۱۳/ (ME) دارد، شخصی، وجه اخباری، زمان گذشته استمراری، منفی، معلوم، ساده میباشد.

-/باور نمیکرد/ فرمول دستوری شماره ۱۳/ (ME) دارد، شخصی، وجه اخباری، زمان گذشته استمراری، منفی، معلوم، مرکب میباشد.

-/میشد، میخرید / فرمول دستوری شماره ۱۳/ (ME) دارد، خودیستای شخصی، وجه اخباری، زمان گذشته استمراری، مثبت، معلوم، ساده میباشد.

-/درس...خیاطی... میداد/ گروه فعلی هست که با خیاطی گسترش پیدا کرده است. فرمول دستوری شماره ۱۳/ (ME) دارد، خودیستای شخصی، وجه اخباری، زمان گذشته استمراری، مثبت، معلوم، مرکب میباشد.

-/نبود/ فعل ربطی با فرمول دستوری ۱۰/ف(MM) شخصی، وجه اخباری، زمان گذشته، منفی، معلوم، ساده است.

متن دوم: «کلنل و زینگر هر دو با هم و گاه تک‌تک، بعضی از مردها را به ته باغ میبردند و بعد از چند دقیقه برمیگشتند و یگراست سراغ بار میرفتند و به سلامتی هم جام میزدند. زری متوجه شد که زینگر در گوش شوهرش چیزی گفت و یوسف بلند شد و با زینگر از خیابان باغ با ردیف سروها و نارنجهای چراغانی‌شده‌اش گذشتند و رفتند ته باغ. اما زود برگشتند و سراغ بار هم نرفتند و دید که سرجنت زینگر اشاره‌ای به کلنل کرد و چشمهای این یکی چپتر شد و گره‌اش توهم رفت» (دانشور، ۱۳۸۸: ۱۲).

-/میبردند، میرفتند/ با فرمول دستوری شماره ۱۳/ (ME) شخصی، وجه اخباری، گذشته استمراری، مثبت، معلوم، ساده هستند.

-/برمیگشتند/ با فرمول دستوری شماره ۱۳/ (ME) شخصی، وجه اخباری، گذشته استمراری، مثبت، معلوم، پیشوندی هستند.

-/جام میزدند/ با فرمول دستوری شماره ۱۳/ (ME) شخصی، وجه اخباری، گذشته استمراری، مثبت، معلوم، مرکب هستند.

-/متوجه شد/ فعل با فرمول دستوری ۱۰/ف(MM) شخصی، گروه فعلی با عنصر غیرفعلی «صفت» وجه اخباری، زمان گذشته، مثبت، معلوم، مرکب است.

-/گفت، گذشتند، رفتند، دید/ با فرمول دستوری ۱۰/ف(MM) شخصی، وجه اخباری، زمان گذشته، مثبت، معلوم، ساده است.

-/ سراغ نرفتند/ با فرمول دستوری ۱۰/ف (MM) شخصی، گروه فعلی گسترش یافته است (به سراغ نرفت). یعنی هسته (رفت) با گروه حرف اضافه (به سراغ) که به در آن حذف شده، یک عبارت فعلی است. عنصر غیرفعلی آن سراغ است و هسته آن رفت و نه عنصر منفی ساز است، وجه اخباری، زمان گذشته، منفی، معلوم، مرکب است. -/ برگشتند/ با فرمول دستوری ۱۰/ف (MM) شخصی، وجه اخباری، زمان گذشته، مثبت، معلوم، پیشوندی است. -/ اشاره کرد، بلند شد/ با فرمول دستوری ۱۰/ف (MM) شخصی، وجه اخباری، زمان گذشته، مثبت، معلوم، مرکب است. - / توی هم رفت/ گروه حرف اضافه + هسته با فرمول دستوری ۱۰/ف (MM) شخصی، وجه اخباری، زمان گذشته، مثبت، معلوم، مرکب است.

بسامد گروه فعلی در داستان سووشون

با دقت در بررسی گروه‌های فعلی رمان سووشون بعنوان مثال متوجه میشویم که از مجموع ۵۰۰ گروه فعلی موجود در محیط آماری ما، ۴۲۵ گروه فعلی به وجه اخباری و ۳۵ گروه فعلی به وجه امری و پرسشی با هم و ۴۰ گروه فعلی به وجه التزامی به کار رفته‌اند. و اکثر گروه‌های فعلی موجود، متعلق به وجه اخباری هستند. قابل تأمل است که تمام زمانهای وجه التزامی در این محیط آماری، مضارع التزامی هستند. جدول زیر بسامد وجه گروه‌های فعلی را نشان میدهد:

جدول ۹: بسامد وجوه گروه‌های فعلی در سووشون

تعداد مورد	وجه اخباری	وجه التزامی	وجه امری
۵۰۰ گروه فعلی	۴۲۵	۴۰	۳۵
درصد٪	٪۸۵	٪۸	٪۷

جدول ۱۰: بسامد گروه‌های فعلی (شخصی و غیرشخصی، ربطی و غیرربطی) در داستان سووشون

تعداد مورد	شخصی	غیرشخصی
۵۰۰ گروه فعلی	۴۸۵	۱۵
درصد٪	٪۹۷	٪۳
تعداد مورد	غیرربطی	ربطی
۵۰۰ گروه فعلی	۴۰۵	۹۵
درصد٪	٪۸۱	٪۱۹

با نگاهی به جدول زیر درمی‌یابیم که از منظر زمان گروه فعلی در میان گروه‌های فعلی موجود، بیشترین بسامد متعلق به زمان گذشته است که ۶۹٪ فعلها به این زمان درج شده است؛ با این تفصیل که زمان گذشته ساده با ۶۶٪ مورد استفاده، بیشترین بسامد را میان زمانهای سه‌گانه دارد و سپس ماضی استمراری ۲۰٪ و سپس زمان گذشته بعید ۱۱٪ به اضافه زمان گذشته نقلی که بسامد کمتری دارد (۲٪) و زمان ماضی ملموس ۱٪؛ درحالی‌که نمونه‌های زمان حال و آینده و امر ۳۱٪ کلی دارد که از بین این سه مورد، زمان حال با سه نمود آن یعنی ساده، التزامی و ملموس، بیشترین بسامد را که ۶۰ درصد است، دارد و زمان آینده و امر، تنها بترتیب، ۱۰ مورد و ۵ مورد

را به خود اختصاص داده‌اند؛ همچنین ۳ مورد به مضارع ملموس تعلق دارد. درباره فعلهای منفی و مثبت نیز غلبه با فعل مثبت است که ۸۲ درصد بسامد دارد.

جدول ۱۱: بسامد زمان گروه‌های فعلی در داستان سووشون

تعداد مورد	زمانهای گذشته	زمانهای حال	زمان امر	زمان آینده
۵۰۰ گروه فعلی	۳۴۵	۱۴۰	۵	۱۰
درصد٪	٪۶۹	٪۲۸	٪۱	٪۲

جدول ۱۲: بسامد گروه‌های فعلی متعدی و لازم در داستان سووشون

تعداد مورد	بسامد متعدی	بسامد لازم
۵۰۰ گروه فعلی	۲۳۰	۲۷۰
درصد٪	٪۴۶	٪۵۴

جدول ۱۳: بسامد گروه‌های فعلی مثبت و منفی در داستان سووشون

تعداد مورد	بسامد مثبت	بسامد منفی
۵۰۰ گروه فعلی	۴۴۰	۶۰
درصد٪	٪۸۸	٪۱۲

جدول ۱۴: بسامد گروه‌های فعلی معلوم و مجهول در داستان سووشون

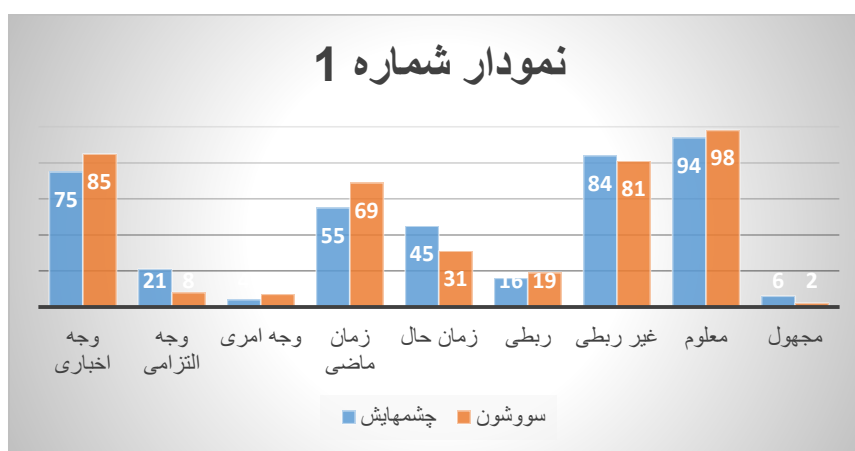
تعداد مورد	بسامد معلوم	بسامد مجهول
۵۰۰ گروه فعلی	۴۹۰	۱۰
درصد٪	٪۹۸	٪۲

جدول ۱۵: بسامد ساختمان گروه‌های فعلی در داستان سووشون

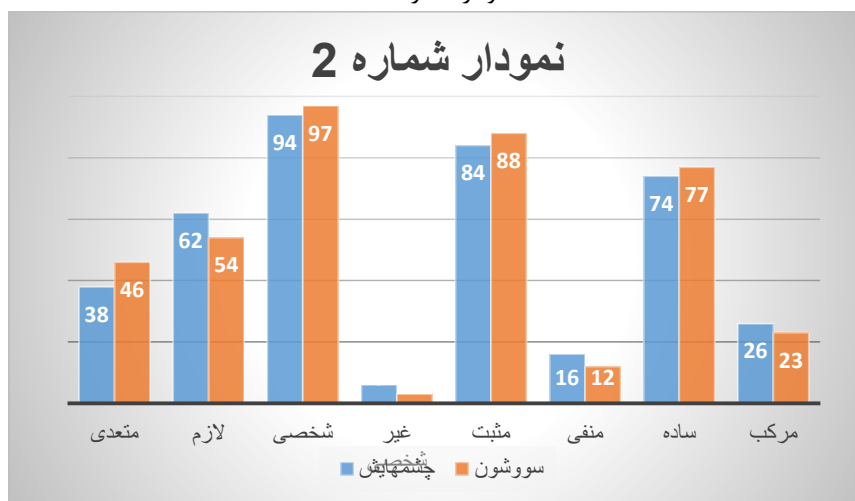
تعداد مورد	بسامد ساده	بسامد مرکب	بسامد پیشوندی	بسامد مرکب پیشوندی
۵۰۰ گروه فعلی	۳۸۵	۹۵	۱۵	۵
درصد٪	٪۷۷	٪۱۹	٪۳	٪۱

مقایسه تحلیلی کارکرد گروه فعلی در داستانهای چشمه‌هایش و سووشون

پس از شناسایی و ذکر انواع وجوه فعل در این دو داستان، اکنون با سبک زبان از منظر رویکرد گروه‌های فعلی در این دو اثر، آشنا میشویم. با استفاده از تحلیلهای روایت‌شناسانه و نقد گفتمان، این نکته که استفاده دو نویسنده از گروه‌های فعلی در ساختار روایی داستانهایشان، تا چه میزان باعث انسجام ساختاری روایت و در نتیجه غنای ادبی کارشان شده است، مورد بررسی قرار میگیرد. همچنین قصد دیگر این است که نشان داده شود سبک نوشتار زنان و مردان در بکارگیری وجوه و دستگاه‌های گروه فعلی، چه تفاوتها و تمایزهایی دارد. اکنون با بررسی داده‌های قبلی و بسامدها در نمودار شماره یک و دو که به دست آمده است، میتوانیم نتایج را مورد تحلیل قرار دهیم:



نمودار شماره (۱)



نمودار شماره (۲)

تحلیل وجه فعل: داده‌های آماری جدولها گویای این نکات هستند که هم در چشمه‌هایش و هم در سووشون، وجه اخباری نسبت به وجوه دیگر کاربرد بیشتری دارد؛ با این تفاوت که در چشمه‌هایش وجه اخباری درصد کمتری را

نشان می‌دهد؛ یعنی ۷۵ درصد و در سووشون ۸۵ درصد وجوه فعل اخباری است؛ اما وجه انشایی، مشخصاً به وجه التزامی و امری بازمی‌گردد. وجه التزامی، مفاهیم شرط، شک، دعا، آرزو و تمنا و... را بیان می‌دارد و در چشمه‌های نسبت به سووشون بسامد بالاتری دارد و این نشان می‌دهد که درجه اطمینان و قطعیت در چشمه‌های بیشتر از سووشون است. نکته دیگر در این دستاورد کاربرد وجه امری است. بکارگیری وجه امری در سووشون بیشتر از چشمه‌های است. اگرچه وجه امری مراتبی از قبیل تمنا، خواهش و مفهوم دعوت و سؤال دارد؛ اما اوج بکارگیری این وجه، حکم و فرمان است. در وجه امری گوینده بر آن است تا وقوع فعل را حتمی کند و حتی به وجه اخباری برساند. وجه امری در سووشون نسبت به چشمه‌های از بسامد بالاتری برخوردار است و این می‌تواند حکایت از جزمیت و اقتداری باشد که در فعل امر نهفته است و با شخصیت نویسنده در داستان سازگارتر است. در سووشون بسامد فعلهای پرسشی ۶ درصد است؛ اما در چشمه‌های، کاربرد فعلهای پرسشی ۴ درصد است. غالباً زنان به استفاده از جملات پرسشی با انواع مقاصد و معانی (بویژه شک و استفهام انکاری و غیره) بیش از مردان مشهورند. «راجر شمیما معتقد است که در داستانهای زنان بسامد بالایی از جملاتی که حاوی مفاهیم شک و تردید و آرزو و افسوس هستند، وجود دارد که این موضوع، به ساختار ذهنی زنان بازمی‌گردد که بخش آمیگ دالای مغز آنان که مسئول احساسات است، حدود ۶ درصد فعالتر از مردان است» (کارآمد، ۱۳۷۸: ۹۸) ولیکن مسئله بسامد را که کنار بگذاریم، نحوه کاربرد وجه التزامی، در داستان دانشور نسبت به علوی، متفاوت و خاص است؛ ولی فعلهای پرسشی در وجه امری بیشتر دیده می‌شود:

«وقتی به ایوان رسیدند. یوسف ایستاد و به باغ نظر انداخت و گفت: شهرت زیبا شده. .. زری پرسید: شهر من؟ و!؟ شهر من چرا؟!...» (دانشور، ۱۳۸۸: ۲۶). همانگونه که می‌بینید، تعدد جمله پرسشی در مثال فوق بیشتر است. هالیدی در بررسی زبان داستان امیلی برونته، می‌گوید «زبان زنان در داستان، در جملات پرسشی هم نمود ویژه دارد. زنان پرسش را علاوه بر انواع معانی و مفاهیم، گاهی یک جمله واحد سؤالی را تکرار می‌کنند یا با کلمات تأثیری و اصوات عاطفی دیگر هم همراه می‌کنند» (هالیدی، ۱۹۹۴: ۱۳۴).

تحلیل زمان فعل: در زمینه دستگاه‌های گروه فعلی در وجه اخباری، آنچه بیش از همه باعث تمایز و تفاوت دو داستان شده، وجه اخباری از نوع زمان نقلی و نقلی مستمر است. با مراجعه به نتایج قبلی می‌بینیم که مجموع کاربرد ماضی نقلی و ماضی نقلی مستمر در چشمه‌های، ۲۴ درصد است؛ حال آنکه در سووشون، تنها ۳ درصد از این زمان استفاده شده است. پس از منظر بسامد، تفاوت محسوس و معناداری بین دو اثر است؛ اما آنچه ورای بسامد، باعث تمایز سبکی دو داستان شده، نحوه خاص استفاده بزرگ علوی از این دو دستگاه گروه فعلی است که البته علوی در دیگر آثارش هم مانند مجموعه داستان چمدان/ دقیقاً به این روش عمل کرده است. این تفاوت چشمگیر در بسامد، برای دو داستانی که هر دو، بارها به تعریف خاطرات گذشته، اقدام می‌کنند و به اصطلاح فلش‌بک می‌زنند، قابل تأمل است. زمانی که برای علل این تفاوت در کمیت به بررسی پرداختیم، متوجه شدیم که علوی، هنگامیکه درباره شخصیت‌های مهم داستان، از اخلاق و رفتار آنها در گذشته، صحبت می‌کند، در یک پاراگراف، با بسامد زیاد و پشت سرهم از ساخت نقلی بهره میبرد؛ این ساخت با توجه به کارکردهای ماضی نقلی، بیانگر استمرار و تداوم ویژگی و خلق و خوی شخصیت در زمان حال نیز هست. مخصوصاً فعلهایی که در نحوه وقوع تداومی هستند، به عبارت دیگر با کاربرد این نوع افعال به ثبات ویژگیهای اخلاقی خاصی در شخصیتها پی می‌بریم و گویی داستان ساخت توصیف قصه را پیدا می‌کند و شخصیتها به ایستایی و عدم تغییر نزدیک میشوند. ماضی نقلی فعلی دوزمانه است؛ ساختار این فعل بسیار خاص است؛ هم بر گذشته دلالت دارد و هم بر حال؛ بخش صفت

مفعولی یا هسته گروه فعلی بر گذشته دلالت دارد و بخش حالت‌ساز آن بر حال نظر دارد؛ یعنی فعلی که در گذشته اتفاق افتاده یا صفتی که از گذشته در وجود موصوف بوده و تا زمان حاضر دوام و استمرار دارد. برای مثال: «بطور کلی، آنچه از آنها دریافته‌ام این است که استاد ماکان مرد رازداری بوده است، اغلب قیافه‌ای عبوس داشته، کمتر شوخی میکرده، با آشناهای خود و بخصوص با زنان و شاگردان رک و راست حرف میزده و هیچ توجهی نداشته به اینکه دیگران از گفته‌های او خشنود میشوند یا نه؛ هرگز گفته کسی را چه خوب و چه بد برای دیگران نقل نمیکرده، راضی نمیشده که در حضور او از دیگران غیبت کنند، کم حرف میزده و اگر صحبتها از چند جمله تجاوز میکرده، بیشتر درباره کار خودش بوده تا درباره امور عادی زندگی. هیچ کس مدعی نیست که دوست صمیمی استاد بوده. استاد با کسی آمدوش نداشته، کمتر ظهر مهمان میشده و در خانه او باز بوده است» (علوی، ۱۳۹۳: ۱۵). همانطور که دیده میشود در همین پاراگراف کوتاه، ۱۵ فعل با این ساخت مشاهده میگردد و دقیقاً در جایی از ساخت نقلی و نقلی مستمر با بسامد بالا استفاده شده که توصیف کردار و رفتار شخصیت اصلی در گذشته است؛ برعکس بزرگ علوی، سیمین دانشور، در تمام مواردی که داستانش دارای چنین کارکردی است، از گذشته ساده بجای نقلی استفاده کرده است و این میتواند حکایت از تغییر شخصیت و استحاله در این عنصر داستانی باشد و شخصیت را در پویایی تقویت کند. البته برخی چون هالیدی و حسن بر این باورند که استفاده از زمان گذشته در توصیف شخصیت از ویژگیهای زبانهای هندواروپایی است. وقتی در این زبانها عادات و اخلاق افراد توصیف میشود، از زمان حال ساده یا گذشته ساده استفاده میشود (هالیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۱۲۴). به متن زیر دقت کنیم: «زری... در کودکی شجاع بود. همیشه لبخند میزد. در حضور بزرگتر، بی ادبی نمیکرد. زیاد حرف نمیزد و ...» (دانشور، ۱۳۸۸: ۱۱۴).

اندیشمندان حوزه گفتمان انتقادی هم به این موضوع پرداخته‌اند؛ بعنوان نمونه الیسون جولی در کتاب «بیپرده: زبان و جنسیت» میگوید: «نمیتوان مردان را برابر با زنان در صحبت کردن دانست؛ اما بهرحال در پاره‌ای موارد مانند تفاخر یا یادآوری شکوه گذشته از ساختارهای زبانی پیچیده‌تر در سطح جمله استفاده میکنند و ارکان جمله از قبیل فعل و قیدها، طولانیتر میگردند» (جولی، ۱۳۹۳: ۱۲۷). جالب اینجاست حتی خود هالیدی در کتابش به این نکته اشاره کرده که «زبان مردان غالباً مستقیم و کوتاه و روشن‌تر است؛ اما زمان خودستایی و بزرگ‌بینی و سخن راندن از مفاخر خانوادگی و حرفه خود، سعی میکنند زبانی مطول و سنگین‌تر را برگزینند؛ شاید گمان میکنند اینگونه، دیگران را بیشتر تحت‌تأثیر قرار میدهند» (هالیدی، ۱۹۹۴: ۱۵۴).

تحلیل کاربرد گروه‌های فعلی خودایستای وابسته: یکی دیگر از تفاوت‌های مهمی که درباره کارکرد گروه فعلی در این دو داستان وجود دارد، کاربرد گروه‌های فعلی خودایستای وابسته است که بازم در سووشون رعایت شده اما در چشمه‌ایش، در بیشتر موارد، این انسجام وجود ندارد. به زعم هالیدی «یکی از موارد مهم گروه‌های فعلی خودایستای وابسته، مربوط به گذشته استمراری است. یعنی اگر گوینده، به بیان خاطره یا ماجرای از گذشته دست بزند و در این حالت، دو یا چند فعل همزمان یا با فاصله بسیار نزدیک به هم اتفاق بیفتند، از گذشته استمراری استفاده میشود» (هالیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۱۴۷). به مثالهای زیر نگاه کنید:

«کلنل و زینگر هر دو با هم و گاه تک تک، بعضی از مردها را به ته باغ میبردند و بعد از چند دقیقه برمیگشتند و یگراست به سراغ بار میرفتند و به سلامتی هم جام میزدند» (دانشور، ۱۳۸۸: ۱۲).

«استاد با دوستانش خلوت میکردند و حرف میزدند و بعد از چند دقیقه باز میگشته‌اند و بلافاصله به کار سابقشان دست میزده‌اند» (علوی، ۱۳۹۳: ۱۵۵).

در مثال چشمه‌هایش، میبینیم که از آن انسجام و وابستگی لازم که باید در استفاده از زمان مناسب فعل استفاده شود و همه گروه‌های فعلی از نوع ماضی استمراری باشند، خبری نیست.

تحلیل کاربرد فعلهای لازم و متعدی: در گفتمان (تحلیل گفتمان) هم فعل مجهول و هم فعل متعدی بسیار حائز اهمیت است. چراکه متون حاوی بار ایدئولوژیک هستند و هیچگاه متن خنثی وجود ندارد. «ساخت تعدی تلاش زبان است برای یافتن پاسخ به این پرسشهای بنیادی چه کسی یا چه چیزی انجام میدهد؟ و چه کسی چه چیزی را نسبت به چه کسی انجام میدهد» (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۳۴).

با مقایسه داده‌های آماری درخصوص فعلهای متعدی و لازم معلوم شد که تعداد فعلهای لازم در چشمه‌هایش از مجموع کل ۵۰۰ مورد، بیشتر از مورد مشابه در سووشون است و برعکس تعداد فعلهای متعدی در سووشون بیشتر از چشمه‌هایش است. فعلهای لازم در سووشون ۵۴ درصد و در چشمه‌هایش ۶۲ درصد کاربرد دارد. بسامد فعلهای متعدی در سووشون ۴۶ درصد و در چشمه‌هایش ۳۸ درصد میباشد و این با نظریه هاپر و تامسون در مورد تعدی در دستور زبان همسوست که در این باره معتقدند: «متعدی بودن یا لازم بودن افعال در زبانها اساساً مقوله‌ای دستوری نیست؛ بلکه بازتاب دو نقش کلامی و کاربرد شناختی "پیش‌زمینه"، و "پس‌زمینه" اند. در مطالعات کلامی و کاربردشناسی، پس‌زمینه‌ها آن بخش از متن هستند که صحنه‌آرایی و پیامهای اصلی گوینده یا نویسنده را دربر ندارند و درواقع پس‌زمینه‌ها نقش تدارک‌کننده و فرعی را ایفا میکنند؛ اما پیش‌زمینه حاوی پیام اصلی است. حوادث و وقایع اصلی پیش‌زمینه‌اند، پیش‌زمینه‌ها استخوان‌بندی و شالوده متنند و پس‌زمینه ملاط آن» (به نقل از آقاگل‌زاده، ۱۳۹۰: ۹۴). پس در این صورت میتوان گفت در داستان سووشون فراوانی فعل متعدی نشانگر آن است که استخوان‌بندی و شالوده متن آن بر پیش‌زمینه‌ها استوار است، یعنی حوادث و وقایع اصلی. این فرایند از طریق فراوانی افعال متعدی در آن قابل توجیه است. متغیری که وجه تمایز برجسته‌ای برای سبک زبانی متن است در مقایسه با چشمه‌هایش که به نسبت، افعال متعدی در آن کمتر از سووشون است. با این توصیف میتوان گفت که افعال، رسالت خود را بخوبی انجام داده‌اند. افعالی که در داستان عاطفی چشمه‌هایش با حضور دو شرکت‌کننده (فاعل و مفعول) رسالت خود را در شالوده و اساس متن به انجام میرسانند و افعالی که در داستان توصیفی سووشون نیز جایگاه خود را حفظ میکنند؛ افعالی که حادثه‌سازند و وقایع را مینگارند. «تبلور دستوری و صوری پس‌زمینه‌ها غالباً در قالب‌بندی مثل لازم است؛ زیرا از جمله ویژگیهای رخدادهای فرعی و صحنه آنها مثل توصیف وضعیت زمان حادثه مانند هوا سرد بود، بهار بود... حضور یک شرکت‌کننده (مسندالیه) در آنها است» (همان: ۹۴).

تحلیل کاربرد افعال ربطی و غیرربطی: در مقایسه نوع افعال ربطی و غیرربطی در متن سووشون نسبت به همان متغیر در متن چشمه‌هایش باید گفت کاربرد افعال ربطی در سووشون بیشتر از کاربرد آن در چشمه‌هایش است. از افعال ربطی بعنوان متغیر زبانی که درجه شناخت و اطمینان بیشتری به متن میدهند، یاد شده است (همان: ۱۹۹). ضمن اینکه افعال ربطی مفهوم ارزش‌گذاری نیز دارند و کاربرد فراوان فعل اسنادی و بویژه «است» میتواند توجیه ارزشی داشته باشد که گوینده از آن بشکل هدفمند استفاده میکند. افعال ربطی چون دربرگیرنده اسناد هستند و فاقد کنش و در پی بیان نسبت بین نهاد و گزاره، از درجه و میزان بالای تأکید و قطعیت برخوردارند و فاقد تردید و شک و التزامند و چون ساخت خبری دارند، از جزمیت و قطعیت بالایی برخوردار هستند. یارمحمدی وظیفه عمده الگوهای ربطی را طبقه‌بندی یا ارزش‌گذاری میداند و مینویسد: «دو مسئله طبقه‌بندی و ارزش‌گذاری از مسائل مهم تحلیل انتقادی گفتمان است و ما برحسب دیدگاه اجتماعی و فکری خویش اشیا و حوادث و اعمال

خود و دیگران را ارزش‌گذاری میکنیم و گاهی جملات کنشی را برای منظوره‌های خاص به ربطی تبدیل میکنیم» (یارمحمدی، ۱۳۹۳: ۱۶۴). کاربرد فراوان افعال ربطی در سووشون و چشمه‌پایش، اینگونه توجیه شود که افعال ربطی جهت قطعیت در متن و اطمینان‌بخشی به متن و همچنین برای اثبات متن به کار رفته‌اند و این بیشتر در داستان سووشون دیده میشود.

تحلیل کاربرد فعلهای معلوم و مجهول: «ساخت مجهول اگرچه بیانگر دیدگاه ایدئولوژیک است و با مخفی نگه داشتن چهره کنشگر از دید خواننده کتمان حقیقت و انحراف از واقعیت محسوب میشود، ولی همیشه اینگونه نیست که همه جمله‌های مجهول فاقد کنشگر، تا این حد دارای بار منفی و توطئه‌آمیز باشند؛ زیرا جمله‌های مجهول زیادی در متون بخصوص متون علمی بدون کنشگر بیان میشوند که در هیچ خواننده‌ای احساس منفی برنمی‌انگیزد و حذف کنشگر دارای هیچ‌گونه بار ایدئولوژیکی نیست» (آفاگل‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۶۷).

اعداد و ارقام موجود در جدول داده‌ها نشان‌دهنده حضور ۹۸ درصدی فعلهای معلوم در سووشون درمقابل بسامد ۹۴ درصدی فعلهای معلوم در چشمه‌پایش است. از بسامد فوق اینگونه استنباط میشود که هم سووشون و هم چشمه‌پایش درصد بالایی از افعال معلوم را به خود اختصاص داده‌اند. در چشمه‌پایش برای جلوگیری از تکرار و ملال‌آوری متن، کمی به فرکانس فعلهای متعدی افزوده شده است و همچنین به اقتضای سیاست حاکم و عامل حاکمیت سیاسی در آن زمان میزان گروه‌های فعلی متعدی افزایش دارد.

تحلیل کاربرد فعلهای مثبت و منفی: جمله‌های مثبت و منفی، بافت گفتمان و پیش‌انگاره‌های متفاوتی دارند و افزودن عنصر منفی‌ساز به فعل جمله مثبت، تمام یا بخشی از معنای آن را تحت‌تأثیر قرار میدهد. در زبان، جمله منفی، نشاندار و پیچیده‌تر از جمله مثبت است و این دو خاستگاه‌های مستقلاً دارند و برخلاف زبانهای ساختگی، در زبانهای طبیعی ساختارهایی وجود دارند که خاص یکی از این دو قطبند. زبان‌شناسان در جهانی بودن نفی هم‌عقیده‌اند، یعنی معتقدند در تمام زبانها روشی برای منفی کردن بندهای مثبت وجود دارد. مشکوه‌الدینی مینویسد: «افعال منفی در همه جمله‌ها ممکن است به کار رود» (مشکوه‌الدینی، ۱۳۰: ۱۳۹۱).

با توجه به نظریه نقش‌گرایی گیون (از بنیان‌گذاران زبان‌شناسی نقش‌گرا) درباره جملات منفی و مثبت که «جملات منفی را نشانگر وضعیت ایستا و بدون تغییر در جهان میداند و جملات مثبت را نشان‌دهنده تغییر و تحول در جهان معرفی میکند»، میتوان این داده‌های فعلی را با توجه به درصد کاربریشان در جدول اینگونه تحلیل کرد که هر دو متن چه چشمه‌پایش (۸۴٪) و چه سووشون (۸۸٪) با میزان بسامد بالای جملات مثبت بدنبال تغییر و تحول و دگرگونی در جهان هستند و گزارشگر تحول و خواهان تغییر در جهان بوده‌اند. متن سووشون بدنبال تغییر در جهان بیرون با بسامد بالای افعال کنشی و رویدادی، این تحول را نشان میدهد.

تحلیل کاربرد فعلهای ساده و مرکب: بررسی و مقایسه آمار بدست‌آمده از هریک از ساختهای فعل در دو متن مذکور نشان میدهد که آمار فعلهای ساده در سووشون بمراتب بالاتر از چشمه‌پایش است. از سویی دیگر تعداد افعال غیرساده (پیشوندی و پیشوندی مرکب) در چشمه‌پایش بیشتر است. نکته برجسته در این داده‌ها اختلاف درصد افعال پیشوندی است؛ افعال پیشوندی در چشمه‌پایش ۵ درصد در مقابل ۳ درصد در سووشون است و جالب است که بسامد افعال مرکب در هر دو متن که با عنصر غیرفعلی (اسم) ساخته شده‌اند، تقریباً یکسان است. با توجه به قالب و نوع ادبی داستان و زبان آن که به زبان عموم مردم گرایش دارد، افزونی بسامد افعال ساده در آن بسیار طبیعی باشد. فراوانی فعلهای مرکب در زبان فارسی امروز، بسته به ژانر و نوع ادبی و مخاطبانی که متن خواهد داشت، بستگی بسیار زیادی دارد. در متنهای فاخر و شاخص که نویسنده تلاش دارد اثر بدیع و سبک متفاوتی

خلق کند، طبیعتاً از زبان عامیانه بویژه تکرار افعال فاصله میگیرد؛ ولی در داستان چنین ضرورتی وجود ندارد و چه بسا گرایش به زبان مردم در داستان، نقطهٔ اوج و درخششی برای متن باشد.

زبان و جنسیت

انعکاس تفاوت زبان زن و مرد در مقوله‌ای مثل گروه فعلی بسیار نادرست، و واقعاً لازم است که در این نوع مقوله‌ها و تحلیل‌های جزئیتر نیز به این تفاوت پرداخت. درخصوص وجه فعل در زبان زنان میتوان گفت با توجه به ویژگیهای شخصیتی زن و مرد، نمود وجوه التزامی در زبان زنان بیش از مردان است. وجه امری و بیان آمرانه در افعال موجود در زبان مردان بیشتر است. وجه خبری در زبان متون روایی طبیعتاً بیش از متون غیرروایی است. همچنین از منظر زبان‌شناسی نقش‌گرا، وجود فعلهای ذهنی و تصویری در زبان زنان به نسبت بیش از مردان است. چنانکه در طول مقاله دیدیم، یکی از ویژگیهای کارکرد گروه فعلی در داستان سووشون به رعایت انسجام لحن شخصیت‌های داستان با جنسیت یا موقعیت اجتماعی آنان معطوف میگردد و نیز تا حدودی مشخص شد که دانشور از نمود فعل دقیقاً در جای اصلی خود، استفاده میکند. «میزان تأثیر جنسیت در زبان و گفتار افراد، در جوامع مختلف، متفاوت است. گاهی این تفاوت در سطح واژگان آشکار میشود؛ یعنی به کاربرد بعضی واژه‌ها مربوط میشود، گاهی جنبهٔ آوایی دارد؛ یعنی به تلفظ کلمات یا آهنگ جمله مربوط میشود؛ گاهی نیز در دستور زبان منعکس میشود» (باطنی، ۱۳۸۱: ۳۸). اما با بررسی آثاری که به تفاوت نگاه و سبک زبان در داستانهای زنان و مردان مربوطند، مشخص شد که این ویژگی، به نوع متفاوت نگاه زن و مرد هم مرتبط است؛ «مردان غالباً نسبت به زنان، کمتر سخن میگویند؛ اما گاهی این قضیه برعکس میشود... یکی از این مواقع، زمانی است که مردان قصد بیان وجود یک یا چند ویژگی مهم اخلاقی را در خود یا دیگری دارند که در این حالت، جملات متعدد و طولانی را به کار میبرند؛ چراکه معتقدند این ویژگیها مستدام و در طول زمان، وجود داشته و خواهد داشت» (گری، ۱۳۷۸: ۶۷).

نتیجه‌گیری

با بررسی آماری گروه‌های فعلی دو متن داستانی نتایجی حاصل شد و آن اینکه سبک زبانی هر دو نویسنده گاه همگرا میشود و گاه در برخی مقایسات متفاوت بوده و این امر طبیعی است. از منظر وجه، زمان، منفی و مثبت، شخصی و غیرشخصی، معلوم و مجهول... الخ، پارادوکسها و تمایزات با توجه به بررسی آماری فوق‌گاه بیشتر و گاه کمتر بوده، و آنچه در این پژوهش قابل توجه است، این است که ما تا حدودی توانستیم سبک زبان زن و مرد را در یک حوزهٔ ادبی، از هم تشخیص بدهیم، تا جایی که متوجه شدیم زبان زنان در داستان سووشون بیشتر در افعال حرکتی و عاطفی نمود پیدا میکند و تعداد زیاد آنها جملات را کوتاهتر میکند و زنان به جملات کوتاه تمایل بیشتری دارند. بسامد فعلهای لازم در سووشون بیشتر از بسامد آن در داستان چشمه‌ایش است. همچنین وجوه فعل در دو متن متفاوت است. اگرچه به تناسب در سووشون وجه اخباری، کمی بیشتر از چشمه‌ایش به کار رفته است، اما این درصد در کاربرد زیاد وجه التزامی در چشمه‌ایش خنثی شده و نشان میدهد متونی که از ابزار احساسی و عاطفی برای تولید متن استفاده میکنند، از وجه التزامی بیشتری بهره میگیرند. در داستان سووشون بسامد زمان گذشته غالب بود و بیشتر از چشمه‌ایش از زمان گذشتهٔ متناسب و منسجم استفاده شده است و نیز استفاده از فعل امر در سووشون بیشتر از داستان چشمه‌ایش است و این نشان از قوت متن و غلبهٔ سبک امری در

بلاغت دارد و این به شخصیت نویسنده برمیگردد. درحالیکه بسامد افعال التزامی بزرگ علوی بیشتر از دانشور میباشد و این نشان میدهد که قطعیت در متن کمتر است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) استخراج شده است. آقای دکتر حمید طاهری راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای حسام السلامه بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر دو پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Aghagolzadeh, Ferdows. (2011). Analysis of critical discourse, Tehran: Elmi Farhangi, p.94, 199
- Alavi, Buzurg. (2011). Her Eyes. Tehran: Negah, 21st Edition.
- Bahar, Mohammadtaghi. (2004). Stylistics and the history of Persian prose diversity, Tehran: Amirkabir, p.18.
- Baldrick, C. (2004). The Concise Oxford Dictionary of Literary Terms.
- Bateni, Mohammad Raza. (1968). Description of the Persian Language Grammar Structure. Tehran: Amir Kabir.
- Carter, R. & P. Simpson (2005). Language, Discourse and Literature. London: Routledge.
- Cummings, M. J. (1975). Scale-and-Category analysis of Old English verbal groups. *Canadian Journal of Linguistics/Revue canadienne de linguistique*, 20(1), pp. 23-58.
- Daneshvar, Simin. (2006). Sovushoon, Tehran: Agah, 31st Edition.
- Farshidvard, Khosrow. (1983). On literature and literary criticism, Tehran: Amirkabir, fourth edition, p.20.

- Gray, John. (1998). *Men are from Mars women are from Venus*, translated by Mahia Mohammadi, Tehran: shabgir, p. 67.
- Halliday, M. A. K. (1994). *An introduction to functional grammar*, 2nd London: Edward Arnold.
- Halliday, M. A. K. (2003). *The Language of Early Childhood*.
- Halliday, M. A. K., & Hasan, R. (2014). *Cohesion in english*. Routledge.
- Julie, Elison. (2014). *Unveiled: The Understanding of Language and Gender*. Translation by Maleheh Maghazei. Tehran: Qsaedeh Sara. P.127.
- Karamad, Hutan. (1999). *Language in the Poetry of Furugh Farrukhzad, A Text Based Approach on the Foundation of functional Order*. Post Graduation Thesis of Linguistics. Tehran University.
- Meshkat aldin, Mahdi. (2011). *Persian grammar based on transformational theory*, Mashhad: Ferdowsi university press, p.130.
- Mutavalliyan, Rezvan. (2011). Self-deprecation and empty category in making compulsory control of Persian Language, *Journal of Linguistic Researches*, 3 (2). pp. 84-102.
- Saeediyani, Homayoon. (2015). *An Analysis of the Groups of Prepositions and Verbs in the Persian Language*, pp.108-124.
- Shamisa, Sirous. (2004). *Elements of stylistics*, Tehran: Ferdows, p.16.
- Shamisa, Sirous. (2011). *Meanings and expressions*, Tehran: Mitra publication, second edition, p.15.
- Yarmohammadi, lotfollah. (2013). *an Introduction to discourse analysis*, Tehran: Hermes, p.164.

فهرست منابع فارسی

- آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۹۰). تحلیل گفتمان انتقادی. تهران: علمی و فرهنگی. ص ۹۴، و ۱۹۹.
- باطنی، محمدرضا. (۱۳۴۸). توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی. تهران: امیرکبیر.
- بهار، محمدتقی (۱۳۸۴). سبک‌شناسی و تاریخ تطور نثر فارسی، جلد ۱، تهران: امیرکبیر. ص ۱۸.
- جولی، الیسون. (۱۳۹۳). بی‌پرده: درک زبان و جنسیت. ترجمه ملیحه مغازه‌ای، تهران: قصیده‌سرا، ص ۱۲۷.
- دانشور، سیمین. (۱۳۸۸). سووشون. تهران: آگه.
- سعیدیان، همایون. (۱۳۹۴). «بررسی نقش‌گرا گروه‌های حرف اضافه و فعل در زبان فارسی». مجله زبان‌شناخت، (۱۱)، ۶، صص ۱۲۴-۱۰۸.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۴). کلیات سبک‌شناسی، تهران: فردوس. ص ۱۶.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۰). بیان و معانی. ویرایش دوم، تهران: میترا. ص ۱۵.
- علوی، بزرگ. (۱۳۹۳). چشم‌هایش. تهران: نگاه.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۶۳). درباره ادبیات و نقد ادبی، جلد ۲، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر. ص ۲۰.
- کارآمد، هوتن (۱۳۷۸). زبان در شعر فروغ فرخزاد. یک رویکرد متن‌بنیاد براساس دستور نقش‌گرا. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه تهران. ص ۹۸.

گری، جان. (۱۳۷۸). مردان مریخی و زنان ونوسی. ترجمه مهیا محمدی، تهران: شبگیر. ص ۶۷.

متولیان، رضوان. (۱۳۹۰). «خودایستایی و مقوله تھی در ساخت کنترل اجباری زبان فارسی». مجله پژوهشهای زبانشناسی، (۲) ۳، صص ۸۴-۱۰۲.

مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۹۱)، دستورزبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری، ویرایش دوم، چاپ دوازدهم، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد. ص ۱۳۰.

هلیدی، مایکل و حسن، رقیه (۱۳۹۳). زبان، بافت و متن. ترجمه محسن نوبخت، تهران: سیاه‌رود.

یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۹۳). درآمدی به گفتمان‌شناسی. تهران: هرمس. ص ۱۶۴.

معرفی نویسندگان

حسام السلامه: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

(Email: dr.salameh86@gmail.com)

حمید طاهری: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. (نویسنده مسئول: taheri@HUM.ikiu.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Hesam Al-Salamah: PhD student of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Imam Khomeini (Rah) International University, Qazvin, Iran.

(Email: dr.salameh86@gmail.com)

Hamid Taheri: Associate Professor of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, I

(Email: taheri@HUM.ikiu.ac.ir: Responsible author)